



شورای حکام را یادآوری کننده؛ لطف حمایت اعضا و تعهد کارکنان طی دهه گذشته؛ نتایج ملموس را در پیشبرد هدف «آتمها برای صلح و توسعه» به دست آورد و من از دستاوردهایمان بسیار مفتخر هستم و از اعضای آژانس نیز قدردانی می‌کنم؛آژانس همچنین اعلام کرد که پرچمهای نماد این سازمان در کشورهای عضو، به صورت نیمه‌المان در آمدند؛چند گزشت آمانو در حالی منتشر شد که رسانه‌های خارجی هفته گذشته گزارش داده بودند وی خواستار آن است که تا پیش از ماه مارس (اسفند) سال آینده میلادی، به دلیل مشکلات جسمی سمت مدیرکل آژانس را در فرد دیگر واگذار کند.آمانوی ۷۲ساله، هفته گذشته در نشست شورای حکام با موضوع پرونده هسته‌ای ایران نیز غایب بود. این دومین بار بوده‌ا و به دلیل مشکلات جسمی نشست‌های آژانس را از دست می‌دهد؛دوره رسمی مدیر کلی آمانو پایان سال ۲۰۲۱ اتتام می‌رسید؛ اما تصمیم برای کناره‌گیری و اکنون خبر درگذشت وی، آغازگر رقابت برای اثر گذاری بر روند انتخاب مدیرکل، آن هم در دوره‌ای که پرونده هسته‌ای ایران اهمیت تازه یافته، خواهد بود.

آمانو سال ۲۰۰۹ با حمایت آمریکا به مدیر کلی آژانس رسید. اندکی بعد در اسبند او یکی لیکس» مشخص شد که او به واشنگتن اطمینان داده است. در مسئله پرونده هسته‌ای ایران، کاملاً در زمین ایالات متحده است و تلاش می‌کند فشار بر جمهوری اسلامی ایران را افزایش دهد؛بر اساس توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وظیفه گزارش‌دهی در مورد وضعیت برنامه هسته‌ای ایران و پایبندی تهران به بندهای هسته‌ای برجام را بر عهده دارد. آمانو تا پیش از تصمیمات اخیر جمهوری اسلامی ایران برای کاهش تعهدات هسته‌ای، در ۱۵گزارش پیاپی از جمله ۵گزارش پس از خروج آمریکا از برجام، تأیید کرده بود که تهران به این توافق پایبند است.در ماه‌های گذشته آمریکا و رژیم صهیونیستی آمانو را برای افزایش بازرسی‌ها و انتشار گزارش‌های جهت‌دار علیه برنامه هسته‌ای ایران، تحت فشار قرار داده بودند. «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بارها از آمانو به دلیل آنچه توچیوی او به اسناد ادعایی درباره برنامه هسته‌ای ایران خوانده، انتقاد کرده بود.آمانو از چند ماه پیش به دلیلی که رسانه‌ای نشده، دچار مشکلات جسمی شده بود. بیماری آمانو در وضعیت ظاهری او نیز کاملاً مشهود بود و پیش از این هم گمانه‌زنی‌هایی در مورد احتمال کناره‌گیری زودهنگام وی، مطرح بود؛طبق گزارش رسانه‌های غربی، رقابت اصلی برای جایگزینی آمانو به عنوان مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بین رومانیایی و یک آرژانتینی است، «ارنل فرنانز» مدیرعامل کنسولته‌ارشد سیاستگذاری آژانس (ان روایتی) و «رافال گروسی» نماینده آژانتین در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نامزدهای احتمالی جانشینی آمانو هستند.

واکش ها **به مرگ آمانو** محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در صفحه توئیترش با انتشار تصویری از یوکیا آمانو مدیرکل فقید آژانس بین‌المللی انرژی نوشت: «در مرگ ناهنگام یوکیا آمانو مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتنی متأسف هستم.ظریف در این پیام توئیترش ضمن ابراز همدردی با خانواده و نزدیکان آمانو، مدیرکل فقید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را حامی وفادار برجام از ابتدای شکل‌گیری این توافق برشمرد و نوشت: «انتظار دارم جانشین آمانو نیز همان مسیر را دنبال کند.معاون وزیر خارجه هم ضمن تسلیت به مناسبت درگذشت آمانو، از عملکرد مدیرکل فقید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در موضوع هسته‌ای ایران و سبب شدن پرونده ای‌اچ‌دی، تجلیل کرد. «سید عباس عرفیانی» با انتشار تصویری از خودش و «یوکیا آمانو» مدیرکل فقید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در صفحه توئیترش، با تسلیت به مناسبت درگذشت آمانو نوشت: «درگذشت آمانو در عمیقاً تسلیت عرض می‌کنم، ما خیلی نزدیک‌س با هم همکاری می‌کردیم. عملکرد ماهرانه و حرفه‌ای او به عنوان مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که منجر به بستنشد شدن کامل پرونده «آمانو، «ج‌دی» و دستور ۱۵ گزارش یی در پی مبنی بر پایبندی ایران به برجام شد را می‌ستایم. روحش قرین آرامش، نماینده تام ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم ضمن تسلیت به مناسبت درگذشت مدیرکل آژانس، پرونده «آمانو، «ج‌دی» و دستور ۱۵ گزارش یی در پی مبنی بر پایبندی ایران به برجام شد را می‌ستایم. روحش قرین آرامش، نماینده تام ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم ضمن تسلیت به مناسبت درگذشت مدیرکل آژانس، گفت: برای ایام پلمد است، با تأیاف عمیق، از درگذشت مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جناب آقای یوکیا آمانو مطلع شدم. خدمات وی به جامعه بین‌المللی به طور گسترده و شایه‌ی شناخته شده و قابل تقدیر می‌باشد. در ارتقای این یک فقدان بزرگ برای جامعه بین‌المللی است. تشرش کلیدی وی در ارتقای اهداف آژانس و همچنین حفظ برجام، هرگز در تاریخ این سازمان از یاد نخواهد رفت.»«فدربکر موه‌گرینی» مسئول سیاست‌خارجی اتحادیه اروپا هم در صفحه توئیتر خود با ابراز آلوده شد، درگذشت آمانو، نوشت: «ما مردی با تعهد و حرفه‌ای بود که همیشه به بی‌طرف‌ترین شکل در خلعت جامعه جهانی بود. من هیچوقت همکاری را او را فراموش نمی‌کنم. همکاری با او فرصت و لذت بزرگی برای من بوده».

رأی الیوم: ترامپ به بهانه تأمین امنیت اعراب خلیج فارس را می‌دوشد

سرویس خارجی : روزنامه راه منطقه‌ای «رأی الیوم» با اشاره به ورود یک گروه از نیروهای آمریکایی به خاک عربستان نوشت: واشنگتن در حال تقویت پایگاه‌های خود در کشورهای منطقه و فروش سامانه‌ها و تسلیحات خود به محاطشان در حاشیه خلیج فارس و دوشیدن میلیاردها دلار از خزانه‌های آنها به بهانه تأمین امنیتشان است.

این روزنامه در گزارش خود آورده است: در سایه تنش‌های منطقه بخصوص پس از توقیف نفتکش‌های خود برای تهدید آمریکا، مستولان سعودی دو اقدام را برای تقویت نفططور دفاعی خود برای تهدید کشورهای عربی در پیش گرفته اند. اول اینکه برای نخستین بار از سال ۱۹۹۶عربستان از ۵۰۰نظامی آمریکایی استقبال را آنها و در پایگاه «سلطان بن عبدالعزیز» در منطقه «الخرج» در جنوب شرق «ریاض» مستقر کرد؛رای الیوم در ادامه نوشت : دومین اقدام نیز اینکه وزارت دفاع آمریکا در بیانه‌ای تأکید کرد : شرکت «الکدید مارتن»، که بزرگترین تولید کننده سلاح آمریکاست با سعودی‌ها قراردادی به ارزش ۴۸/۱میلیارد دلار برای فروش سامانه دفاع هوایی «تاده» امضا کرده، امری که ارزش قراردادهای این شرکت با عربستان را در نزدیک ۵۳۱ میلیارد دلار رسانده است.

رأی الیوم افزود: در سایه تمایلات «دونالد ترامپ» برای پاج خواهی و سودجویی از کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و به دست آوردن اموال خزانه‌های آنها می‌توان گفت که مستولان سعودی باید هزینه این نیروها را بپردازند. بهمانطور که هزینه‌های نیروهای آمریکایی در پایگاه «المدیف» که حداقل ۸هزار سرباز آمریکایی در آن حضور دارند و بزرگترین پایگاه آمریکا در منطقه است را می‌پردازند؛ روزنامه یادآور شد : موشک‌های پمنی قادر به عبور از سامانه‌های دفاعی و راداری سعودی و رسیدن به اهداف خود هستند و چندین بار با ارشندت ادعا باعث توقف پروازها در دوره‌های «اجیزان» و «البحار» و «الیهاب» در جنوب عربستان شوند. این موضوع باعث شد تا سعودی‌ها سامانه «پاتریوت» و رادارهای آمریکایی را کنار گذارند و کشورهای مثل ترکیه نیز به خرید سامانه‌هایی نظیر «اس ۲۰۰» اقدام کنند.

سرویس خارجی: آمریکا در راستای تحت فشار قرار دادن کره شمالی برای دست کشیدن از برنامه هسته‌ای خود، نام این کشور را در لیست کشورهای حامی تروریسم قرار داد.

در همین رابطه،دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا درحالی که از بهترین روابط شخصی با «کم جونگ اون» رهبر کره شمالی سخن می‌گوید، اسامی دولت وی نام این کشور را در فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار داد گفتنی است که تلاش‌های آمریکا برای اعمال فشار به کره شمالی و قرار دادن نام این کشور برای چندین بار در فهرست کشورهای حامی تروریسم نشان می‌دهد که واشنگتن از تلاش برای تسلیم کردن پیونگ یانگ دست نکشیده.

این در حالی است که به نظر می‌رسد که ترامپ به رغم همه این فشارها و بهانه‌جویی‌ها و حتی با سخت‌ترین تحریم‌های چند دهه گذشته علیه کره شمالی، دستاوردی جز چند دیدار بین سران دو کشور نداشته‌ت؛ زیرا او نتوانسته دایمی صلح امضا نشده و در مورد کمکان در شرایط خصمانه بسر می‌برد و کره شمالی از برنامه‌اتنی خود عقب‌نشینی

صاحب امتیاز: شرکت ارتباطی (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمدوعالی
سردبیر: علیرضا ضاخی
نشان: تهران- بلوار میرداماد- خدایان مصطفی جنوبی (نفت سابق)
ساختمان اطلاعات-کدپستی ۱۵۴۹۳۱۱۱(تهران)
پست تصویری:تخیریه ۲۲-۲۲۵۸۰
تلفن: ۲۹۹۹۹۹
نماینر آگهی‌ها ۲۱-۲۲۵۸۰
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸-۲۲۵۸۰
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com
منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

سرویس خارجی: پولدووزهای ارتش اشغالگر اسرائیل با حمایت نظامیان این رژیم، تخریب بیش از ۷۰ واحد مسکنی فلسطینی‌ها را در محله وادی الحمص در جنوب قدس درآورد.

عملیات تخریب این خانه‌ها همزمان با حضور گسترده نظامیان اشغالگر در جنوب قدس صورت می‌گیرد.همزمان نظامیان اسرائیلی ده‌ها خانواده فلسطینی را مجبور به ترک خانه‌هایشان کردند.دادگاه استیناف رژیم صهیونیستی درخواست اهالی واد الحمص برای تجدیدنظر در تخریب منازلشان را رد کرد. از صبح دیروز و پیش از آغاز به کار پولدووزها و دستگاه‌های بیل مکانیکی، نظامیان صهیونیست صاحبان خانه‌ها را در مورد و با ضرب و شتم بیرون کردند. بهانه دادگاه رژیم صهیونیستی برای تخریب این ساختمان‌ها، نزدیکی آنها به دیوار حائل است و رژیم صهیونیستی آن را خطری امنیتی توصیف کرده است. در این حال طرف‌های مختلف فلسطینی در واکنش به تخریب گسترده منازل در جنوب قدس که بزرگترین عملیات تخریب از ۱۹۶۷ تاکنون است، اعلام کردند این اقدام مصادا بارز جنایت جنگی است. «عدنان غیث» استاندار قدس در این زمینه اعلام کرد: تخریب به معنای واقعی اشغالگر به بهانه نزدیک بودن این منازل به دیوار حائل آنها را تخریب می‌کند.

«صائب عریقات» دبیرکل کمیته

بقیه از صفحه اول
خاطر نشان کرد:دستورامطفا استفاده از «تحریم» برای تخریب کنید. محرمات تنش‌ها با ایران تلاش می‌کنند. یک فرمان قانونی است.تحریم‌ها دارای تخیول قانونی هستند و اقدام آمریکایی‌ها به تروریسم اقتصادی است.تحریم‌ها تخریب زیر دارم از واژه تروریسم (به جای تحریم) استفاده کنیم؛ اشاره آن چیزی که آمریکا علیه ایران اعمال می‌کند. وزیر امور خارجه به حاضران پیشنهاد کرد که همه استفاده غیرقانونی از واژه «تحریم» را تحریم کنند به ویژه استفاده بی حد و حصر دولت آمریکا از این واژه برای تنش دادن بی‌شئونه قانونی اقداماتش در موضوع این تروریسم اقتصادی است. خلاص و ساده و زیار دارد که دائم آن را تکرار کنیم.ظریف در پایان تصریح کرد: ما با تروریست‌ها مذاکره نمی‌کنیم.

نخست‌وزیر ذابن: برای کاهش تنش میان آمریکا و ایران تلاش می‌کنیم

دربی آن نخست‌وزیر ذابن هم با بیان این پاتک موفق ارتش سوریه به شکست سنگینی راه به تروریست‌ها تحمیل کرد

سرویس خارجی: نیروهای ارتش سوریه حملات شدید تروریست‌ها به حومه جنوبی ادلب را دفع کردند و ضربات سنگینی به آنها وارد آوردند. نیروهای ارتش سوریه وارد درگیری های شدیدی با گروه‌های تروریستی شدند که به محور روستای «القضایه» در حومه جنوبی ادلب حمله کرده بودند. نیروهای ارتش سوریه حملات شدید تروریست‌ها به مناطق نظامی برای حفاظت از روستای القضایه را دفع کردند. در پی این عملیات ارتش سوریه شماری از عوامل انتحاری قبل از رسیدن به اهدافشان به هلاکت رسیده و دو خودروی نظامی و رژی هم منهدم شد.

از سوی دیگر گروه های تروریستی شهر محرده و شهرک حورین در منطقه غربی حما را هدف حملات خود برداشتند. نیروهای ارتش سوریه در پی این حملات از روستاهایی که اخیرا در حومه شمال غربی حما و حومه جنوبی ادلب آزاد شده است بازدارد. اما این حملات از سوی نیروهای ارتش سوریه دفع و خیرات های زیادی به تروریست‌ها وارد شده است.از سوی رسانه‌ها از مقابله با پدافند هوایی سوریه با حملات موشکی به استان حما خبر دادند. تلویزیون سوریه اعلام کرد که پدافند هوایی ارتش با اهداف متخاصم در آسمان شهر مصیاف در استان حما مقابله و آن را دفع کرد.

خبرگزاری اسپوتنیک هم گزارش داد که صدای

که انتخابات محلی کره شمالی با هدف انتخاب نمایندگان شوراهای استانی، شهری و شهرستان‌ها با مشارکت

در این انتخابات محلی که هر چهار سال یکبار برگزار می‌شود ۹۹/۹۸ درصد واجدان شرایط شرکت کردند



«اون» در انتخابات محلی کره شمالی رأی خود را به صندوق انداخت
«کم جونگ اون» رهبر کره شمالی با شرکت در انتخابات محلی کشورش رأی خود را در یک شعبه رأی‌گیری در استان جنوبی «مانگیون» به صندوق انداخت و رهبر کره

کره شمالی در این فهرست، حرکتی نمایان بوده و هدف اصلی تسلییم کردن کره شمالی است. خبر دیگر این

اطلاعات

سال نود و چهارم

سه‌شنبه یکم مرداد ۱۳۹۸					
۲۰ ذی‌القعدة ۱۴۴۰ - ۲۳ جولای ۲۰۱۹					
تظیر شریعی	۱۱ و ۱۲ ذی‌حجه	غروب آفتاب	۱۶ و ۲۰ ذی‌حجه	ادان مغرب	۳ و ۲۰ ذی‌حجه
نیمه شب شریعی (پایان وقت ادای نماز)	۲۱ و ۲۰ ذی‌حجه	ادان صبح (فر‌دا)	۲۶ و ۲۶ ذی‌حجه	طلوع آفتاب (فر‌دا)	۶ و ۶ ذی‌حجه

رژیم صهیونیستی، بزرگ‌ترین عملیات تخریب منازل فلسطینی‌ها را آغاز کرد

جنايت جنگي و پاکسازی نژادی سازماندهی شده است.«عکرمه صبری» رئیس کمیته عالی اسامی قدس نیز تصریح کرد، آنچه در قدس رخ داده پاکسازی نژادی است. جهاد اسامی فلسطین هم اعلام کرد، خاورمیانه به چند کشور عربی و جنایت است.

در چنین شرایطی داماد و مشاور رئیس‌جمهور آمریکا قصد دارد هفته آینده با هدف پیشبرد طرح سازش خاورمیانه به چند کشور عربی و جنایت است.

این درحالی‌است که یک‌روزنامه اسرائیلی با افتقاد شدید از نماینده دولت آمریکا که در فلسطین اشغالی، او را به نایب ندیده گرفتن واقعیت‌های آشکار مهم کرد. هارنص، «جیسون گرینبلات» را فردی فرومایه توصیف کرد و نوشت: فرستاده یهودی ترامپ

به خاورمیانه از جمله کسانی است که گوش به معامله قرن شنکست خورده سیره‌ه است و با اتخاذ مواضع راستگرای اسرائیلی، صرفا موجب تحریک فلسطینی‌های می‌شود.

در خبری مرتبط، رسانه‌های اسرائیلی گزارش داده‌اند که وزیر خارجه آمریکا درخواست‌های اسرائیلی شورای برقراری دیداری دوجانبه در جریان سفر اخیر وی به واشنگتن را پذیرفت.مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا درخواست‌

بیشتر از آنچه در تصمیم‌گیری خود برای انجام دیداری دوجانبه را رد کرد. دفتر وزیر خارجه آمریکا درخواست

طرف اسرائیلی را پذیرفت و به سفارت این رژیم در واشنگتن اطلاع داد که برنامه کاری پمپئو بر است.

روابط خارجی درباره تهدید به تحریم‌های بیشتر از سوی انگلیس گفت: ایران در ۲۵سال گذشته بیش به کشورهای دیگر تجاوز نکرده است ولی در دفاع از تمامیت ارضی و حیثیت خود همچنان که در ۲۰سال نشان داده است با کسی شوخی ندارد.

اشاره به توقیف کشتی انگلیسی در خلیج فارس تاکید کرد. جمهوری اسلامی همواره در برابر متجاوزان ایستادگی کرده است و به راه خود ایمان دارد و این ایستادگی را وظیفه ملی و دینی مردم ایران با تاکید بر این است که مردم ایران با پیروزی با ایران است، تصریح کرد: ملت ایران در صحنه هستند و با فداکاری از آرمان‌های خود دفاع خواهند کرد.

خرازی درباره موضوع تپادل دو نفتکش ایران و انگلیس گفت: ایران با وجود تمام تحریم‌ها زندگی می‌کنند و برای دفاع از حیثیت و استقلال خود حاضرند در برابر فشارها و تحریم‌ها ایستادگی کنند.

«شینزو آبه» ششمین پیروزی متوالی در انتخابات‌های ملی ژاپن در جشن گرفت



در تنگه هرزم دارد، گفت که برای کاهش تنش‌ها با ایران تلاش می‌کند. درپی پیشنهاد واشنگتن به توکیو برای مشارکت در ائتلاف دریایی نظامی در خلیج فارس، «شینزو آبه» اعلام کرد که برای کاهش تنش‌های آمریکا و ایران تلاش می‌کند.

آبه در پاسخ به سوال خبرنگاران

طی کنفرانس مطبوعاتی در مقر حزب لیبرال دموکرات ژاپن، با بیان اینکه «ایران تلاش می‌کند، به دنبال تحریم‌ها و فشارها، به اهداف خود در منطقه خلیج فارس، «شینزو آبه» اعلام کرد که برای کاهش تنش‌های آمریکا و ایران تلاش می‌کند.

آه در پاسخ به سوال خبرنگاران طی کنفرانس مطبوعاتی در مقر حزب لیبرال دموکرات ژاپن، با بیان اینکه «ایران تلاش می‌کند، به دنبال تحریم‌ها و فشارها، به اهداف خود در منطقه خلیج فارس، «شینزو آبه» اعلام کرد که برای کاهش تنش‌های آمریکا و ایران تلاش می‌کند.

آه در پاسخ به سوال خبرنگاران طی کنفرانس مطبوعاتی در مقر حزب لیبرال دموکرات ژاپن، با بیان اینکه «ایران تلاش می‌کند، به دنبال تحریم‌ها و فشارها، به اهداف خود در منطقه خلیج فارس، «شینزو آبه» اعلام کرد که برای کاهش تنش‌های آمریکا و ایران تلاش می‌کند.



اینها: آنکلا مرکل صدراعظم آلمان در مراسمی به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تلاش برای ترور آدولف هیتلر رهبر آلمان نازی، شرکت به و افسرانی که این سوء قصد ناکام شرکت داشتند احترام کرد. گروهی از افسران ارتش آلمان به رهبری سهرنگ کالوس شت گراف فون اشتاوفنبرگ، تلاش کردند هیتلر را در ۱۹۴۲ به قتل برسانند تا با پایان کشیدن حزب نازی از قدرت با متفقین صلح کنند. برنامه این طور طراحی شده بود که اشتاوفنبرگ کیف حمل بمب بر در نزدیکی مقر قرار دهد و بعد با مذرخواهی از حاضران به دستشویی برود و آنجا دستگامی را روشن کند که باعث انفجار بمب شود. برنامه درست پیش رفت و بمب منفجر شد و چهار افسر نازی را کشت اما هیتلر فقط جراحت‌های سطحی برداشت و از این سوء قصد جان به برد. اشتاوفنبرگ و یارانش در عرض چند ساعت پس از انفجار اعدام شدند و حدود ۵۰۰۰ نفر دیگر در جریان تصفیه نیروهای ارتش توسط هیتلر جانشان را از دست دادند.

قرارداد محرمانه چین برای استفاده از پایگاه دریایی کامبوج
فارس: یک روزنامه آمریکایی مدعی شد که چین قرارداد محرمانه‌ای را با کامبوج برای استفاده از پایگاه‌های دریایی این کشور به امضا رسانده است. «اول استریت ژورنال» مدعی شد که کامبوج طی قراردادی متعهد شده است به چین اجازه استفاده از پایگاه دریایی خود را بدهد. وال استریت ژورنال گزارش داد که مقامات آمریکایی، پیش‌نویس اولیه این قرارداد را که ظاهرا بهار امسال به امضا رسیده است دریافت کرده اند.

کمیته قضایی مجلس نمایندگان آمریکا: براساس گزارش مولر، ترامپ مجرم است

سرویس خارجی: رئیس کمیته قضایی مجلس نمایندگان آمریکا اعلام کرد: با استناد به گزارش «ابرت مولر» وزیر سرز پرونده دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ ایالات متحده ، شواهد نشان می‌دهد که دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری این کشور مجرم است.

این گزارش، با استناد به گزارش مولر معتقد است شواهد قابل توجهی وجود دارد که دونالد ترامپ مرتکب جرایم و تخلف‌های جدی از قانون شده است. گفت: قصد دارد از رابرت مولر جرس ویژه پرونده ماندگه در روسیه در انتخابات آمریکا بخواند این شواهد را در جلسه استماع کنگره در روز چهارشنبه آینده ارائه کند.رئیس کمیته قضایی مجلس نمایندگان آمریکا افزود: دولت باید پاسخگو باشد و هیچ رئیس‌جمهوری نمی‌تواند فراتر از قانون باشد. او سوییچ‌چند نفر از دموکرات‌های مجلس نمایندگان آمریکا نامشان را در فهرست درخواست‌کنندگان استیضاح ترامپ اضافه کردند و شمار آنان به ۸۷ تن رسید. در حال‌حال «گرین» نماینده دموکرات کنگراس و استیو کوهن نماینده دموکرات تنسی وعده دادند تا روند استیضاح ترامپ را بعد از تعطیلات ماه اوت کنگره پیگیری کنند.

در چنین شرایطی، رئیس‌جمهوری آمریکا بار دیگر به به الکساندرا کورتز، رشیده‌طلب، ایلهان عمر و آیانارسیلی چهار نماینده‌زن دموکرات مجلس نمایندگان حمله کرد و از آنها خواست به خاطر «حرف‌های وحشتناکی» که درتداخل ایالات متحده عذرخواهی کنند. در این حال، تانچ نظرسنجی شبکه خبری سی‌ان‌اس، نشان می‌دهد که ۹۵درصد آمریکایی‌ها مخالف اظهارات نژادپرستانه «دونالد ترامپ» علیه چهار نماینده رنگین پوست دموکرات در کنگره هستند.

تبادل آتش سنگین میان ارتش‌های هند و پاکستان

سرویس خارجی: ارتش‌های هند و پاکستان با اتهام‌زنی علیه یکدیگر، دور تازه‌ای از درگیری‌ها در نوار مرزی که منجر به کشته و مجروح شدن چند نفر شد را آغاز کردند.ارتش هند و پاکستان با صبح دیروز دور تازه‌ای از درگیری و تنش در این منطقه سنگین علیه هم در خط کنترل نظامی میان بخش‌های تحت کنترل هند و پاکستان در ایالت «جامو» و «کشمیراغاز» و یکدیگر را به نقض آتش‌بس مهم کردنیان در حالی است که دو روز پیش نیز به دلیل ترابزانی بین طرفین، یک نظامی پاکستان کشته و چهار هندی نیز مجروح شدند.

تبادل آتش سنگین میان ارتش‌های هند و پاکستان

سرویس خارجی: ارتش‌های هند و پاکستان با اتهام‌زنی علیه یکدیگر، دور تازه‌ای از درگیری‌ها در نوار مرزی که منجر به کشته و مجروح شدن چند نفر شد را آغاز کردند.ارتش هند و پاکستان با صبح دیروز دور تازه‌ای از درگیری و تنش در این منطقه سنگین علیه هم در خط کنترل نظامی میان بخش‌های تحت کنترل هند و پاکستان در ایالت «جامو» و «کشمیراغاز» و یکدیگر را به نقض آتش‌بس مهم کردنیان در حالی است که دو روز پیش نیز به دلیل ترابزانی بین طرفین، یک نظامی پاکستان کشته و چهار هندی نیز مجروح شدند.

در این حال رسانه‌های ژاپنی گزارش داده‌اند که پیشنهاد آمریکایی از یک تیم مشترک برای اتمام تلاش برای پیوستن ژاپن به ائتلاف ضد ایرانی هرگونه تصمیمی برای پیوستن به ائتلاف فارس حاکم است و دیدار چند روز باژن ملتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید به توکیو در دستور کار قرار گیرد. بیشتر نیز یک رسانه آلمانی از دیدار مجتمیل نخست وزیر ژاپن بسا رئیس‌جمهور ایران در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر (شهریور) خبر داده بود.

انصارالله یمن با ۷ موشک بالستیک، مواضع نظامیان سعودی را در هم کوید

غرب یمن را هدف قرار داد.شکبه المیادین در این رابطه گزارش داد که، حمله‌های ائتلاف سعودی با شلیک بیش از ۵۵ موشک، «روستای «الغفران» و تواع منطقه «اکامور» ۱۶» واقع در شرق شهر الحیدیه در هدف قرار دادند. میانزار سعودی همچنین استان شعبه نشین «صعده» یمن را هدف حملات توحانه عربی و موشکی گسترده قرار داد.طبق اعلام رسانه‌های عربی، منطقه «منبه» در «صعده» هایشترین حملات توسط سعودی‌ها قرار گرفته.بر گزارش این رسانه‌ها در این حملات عمدتا مناطق مسکنی هدف قرار گرفتند.در همین حال شورای عالی سیاسی یمن در نشستاتی تا یکید بر حفظ نظام در دریای سرخ اعلام کرد به هرگونه تشدید تنش در مرزهای ساحلی پاسخ می‌دهد.در همین حال شوری اعلام کرد: «مهدی المشاط» رئیس وزارت نفر از عناصر مسلح با هدف استقرار آنها در مرزهای عراق و سوریه است.

داش، حال مقامات محلی نسبت به تعرض عناصر داشی به منطقه «الرپه» هشدار داده و از علت آن عقب‌نشینی غیرمنظمه اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند.در همین حال و همزمان با شروع شورای محلی شهر «الرپه» اعلام کرد که به نقل از مسرکرده سابق «ارتش آزاده» فاش کرد: در آمریکا کار آموزش بیش از ۶۵ هزار نفر از عناصر مسلح با هدف استقرار آنها در مرزهای عراق و سوریه است.

است.در چنین شرایطی، برخی مقامات عراقی از عقب‌نشینی ناگهانی نظامیان آمریکایی از یک پایگاه در «الابار» خبر دادند. «سید عاشا»، عضو شورای استانداری «الابار» به نقل از رئیس کمیته امنیتی شورای محلی شهر «الرپه» اعلام کرد که نیروهای ائتلاف و نظامیان آمریکایی مستقر در «الرپه» از این پایگاه خارج شده‌اند.

به گفته این منابع، با توجه به حضور این نیروها در «الرپه»، تحت عنوان مبارزه با



حسینقلی مستعان
از اولین نویسندگان رادیو ایران



۵۰۱

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات
سه‌شنبه یکم مرداد ۱۳۹۸ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۳۳۶

حافظ هر پی آینه





● محمدرضا حیدرزاده

نگاهی به رمان «جزر و مد»، نوشته شادی منعم

رقص مرگ در قصه شهرزاد

هیچ وجه حاضر نشدم افتتاحیه را از دست بدهم. کاش کیان هم آمده بود. بعد از اینکه تلفنی با کیان حرف زده و خیالش را راحت کردم، فرشته پرسید: نامزدت بود؟ خندیدم و تا بیایم برایش توضیح بدهم، خودش ادامه داد: منم نامزد دارم اما...

دوست داشتیم بگویم اما چه؟... کنجکاو شده بودم، اما من زیاد اهل صحبت کردن نبودم، مخصوصا با غریبه ها. خودش چند ثانیه بعد، غمگین گفت: شاید جدا بشیم!....

یکی از مسئولین او را صدا زد. دیگر ندیدمش تا وقتی که افتتاحیه به پایان رسید و هوا تاریک شد. اکثر جمعیت رفتند و فقط تعداد اندکی هنوز آنجا بودند. من هم از نبودن خاندان کی راد، سوءاستفاده کردم و تا آخر لحظه افتتاحیه ماندم. لحظه ای که آدم سوار ماشین شوم، او را دیدم که با یکی از محلی ها صحبت می کرد. دستی برایش تکان دادم و به همان شکل جواب گرفتم. محبتش افتاده بود به دلم و دوست داشتیم او را دوباره ببینم....

جاده بدون آسفالت و بدون چراغ بود و پر از دست انداز. کیان زنگ زد و بعد از پاسخ دادن گوشی را انداختم روی صندلی بغلم که سر خورد و افتاد پایین. می دانستم تا برسم، باز هم کیان زنگ می زند. لحظه ای کوتاه، خیلی کوتاه، خم شدم تا آن را بردارم. بلند که شدم، جسمی مقابلم بود. من منحرف شده بودم یا او تا وسط جاده آمده بود؟! نمی دانم. پایم را با آخرین توان، کوبیدم روی ترمز! اما... دیر شده بود. خیلی دیر و من زده بودم به.... کسی.

دست و پایم می لرزید. هول کرده بودم. نوک انگشتان پایم به گزگز افتاده بود و دندان هایم تیلیک تیلیک صدا می داد. نمی دانستم باید چه کار کنم. میان بر بیابان و در تاریکی شب، تنها بودم و عقلم از ترس تعطیل شده بود. با پاهایی لرزان پیاده شدم. جاده خاکی بود و تاریک و بدون چراغ. تنها نور کم رنگ ماه بود و نور چراغ های ماشین. چند قدمی که جلو رفتم، جسم بی جانی را دیدم که لباس هایش به شدت به چشمم آشنا بود. این ماتو و شال لاچوردی را قبلا کجا دیده بودم؟!

ناباورانه خم شدم و نور موبایل را به سمت صورتش گرفتم. شوکه و ترسیده، خودم را به عقب پرت کردم، فرشته بود.... همان زنی که ساعتی پیش، او را دیده بودم. همان که مهرش به دلم نشسته بود. همان که از نامزدش برایم گفته بود و حالا.... خون از دهان و بینی اش بیرون زده بود و وسایل کیفش پخش شده بود دور و برش.

مات مانده بودم به صحنه روبرویم و شوکی که بهم وارد شده بود، جلوی نشان دادن هر گونه عکس العملی را از من گرفته بود. نمی دانستم چه بلایی به سرم آمده است. نمی فهمیدم چه کار کردم و چه کار باید بکنم. اما فرشته که ناگهانی تکان خورد، من هم به خودم آمدم. تکانی به تن کرختم دادم و اشک هایم بالاخره روان شد. جانم، فرشته جان! صدام رو می شنوی؟ فرشته به خدا ندیدمت.... فرشته!

بلند شدم و بی هدف به سمتی دویدم و فریاد زدم: کمک.... کسی نیست؟ به سمت مخالف

دویدم و دوباره فریاد زدم، کسی نبود. من مثل همیشه تنها بودم. دوباره برگشتم بالای سرش. دست و پایم را گم کرده بودم. خرناس می کشید.

هق زدم: الان.... الان زنگ می زنم اورژانس. آمدم بلند شوم که دستم را گرفت. ناخن های بلندش فرو رفت میان گوشت تنم. اصلا نمی فهمم با آن حال خراب، آن همه قدرت را از کجا آورده بود. جای ناخن هایش هنوز هم روی پوست تنم گرگز می کند. بیشتر ترسیدم. خرخر کرد.... دستم را گرفتم مقابل بینی و دهانش؛ نفس نمی کشید....

صدای کل کشیدن های مامان و زن عمو و عمه هایم و درسا و نهال و نازنین که بلند شد، گفتم الان است که آرایشگاه روی سرمان خراب شود. این جا هم لشکر کشی کرده بودیم. چشم های مامان پر شد و چند تراول، دور سرم چرخاند. زن عمو او را در آغوش گرفت و نهال گفت: برم شنل ات را بیارم، الان دومادم از راه می رسه.

روز عروسی ام بود. همه چیز شوخی شوخی جدی شده بود. نگاهی به قیافه خودم در آینه انداختم. خوشحال بودم؟! خوشحال که بودم، اما نگرانی و استرس، اما منم را بریده بود.

نگاهی انداختم به آرایش ملایم و موهایی که با تاجی ظریف، بالای سرم جمع شده بود. خوب شده بودم و زیباتر از همیشه. به چشم میثاق می آمدم؟! این زیبایی باعث می شد در مجازات ناگفته ها کمی تخفیف خرج کند؟! ابتدا مراسم عقد بود با حضور مهمانانی که خودی محسوب می شدند. بابا و پدرجون از بغض قادر به صحبت نبودند و شهاب رسماً داشت اشک می ریخت. خواهر کوچکش عروس شده بود. آن هم چه عروسی! می فهمید از غصه دق می کرد....

رمان «جزر و مد»، نوشته شادی منعم، توسط انتشارات «نشر علی» به بازار کتاب آمده است. خانم منعم که قبلاً با رمان های خوشی خصوصاً رمان «آجر کج»، توانسته توانایی خود را در خلق داستان های خواندنی و به یاد ماندنی نشان دهد، این بار به سراغ قصه زندگی دختری به نام «شهرزاد» رفته است. دختری سراسر شور و شوق و لبریز از امید و عشق....

شهرزاد را می توان دختر خاصی در میان یک فامیل بزرگ دانست، اما تقدیر او خیلی زود رنگ عوض می کند و در جاده ای روستایی در اطراف ورامین با زن جوانی تصادف می کند.... شهرزاد، پیکر بی جان زن را که بوی مرگ می داد، رها ساخته و می گریزد. فراری که سرنوشت برایش رقم می زند تا عمری در عذاب باشد. در حالی که خیلی زود باید تاوان این کارش را بدهد. آن هم ازدواج کردن با نامزد همان زن کشته شده....

شادی منعم، متولد سال ۶۸ در تهران است. او پس از فارغ التحصیل شدن در رشته مهندسی برق، به تحصیل در رشته روانشناسی پرداخت. نخستین رمانش را در سال ۹۲ با نام «عبور از پاییز» نوشت و تا کنون رمان های: «به رنگ سبز از جنس آسمان»، «یکی از من» و «آجر کج» هم از او منتشر شده است. وی در نمایشگاه کتاب امسال با رمان «جزر و مد» حضور یافت که خیلی زود به چاپ دوم رسید.

در رمان «جزر و مد»، ادامه مراسم عروسی را چنین به تعریف می نشیند: فکر من به آخر شب بود. به لحظه ای که می توانست شروع یک فاجعه باشد. کاش می توانستم مثل همیشه خفه خون بگیرم. کاش تا آخر عمر دروغ گفتن را کسی، جایی، یادم می داد.

کیان را برای اولین بار آن قدر بی قرار می دیدم، هرچه چشم چرخاندم، کتعان را ندیدم. چرا نیامده بود؟ جای نگاه همیشه سنگینش بدجوری خالی بود، اما خوشحال بودم از نبودنش. خیلی مطمئن نبودم در حضور او بتوانم «بله» را از میان لب های لرزانم خارج کنم.

خطبه عقد که خوانده شد، با تمام وجود به خدا التماس کردم که کمکم کند. اشکی که میان چشمانم حلقه زده بود، از خوشحالی نبود، از استرس بود. وقتی سوره «نور» را خواندم و زیر لفظی میثاق نشست میان دستانم، فهمیدم که دیگر وقتش رسیده است. درست یا غلط باید پای این تصمیم می ماندم. این بار نه تصادفی و پرتردید.... مطمئن «بله» را گفتم....

نویسنده سپس خواننده را همراه با شهرزاد، به آن شب غم انگیز و لحظه تصادف می برد:

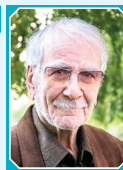
یکی از روستاهای دور افتاده ورامین بودیم. یک سالی می شد که با کمک خیرین، کلنگ این مدرسه زده شده و بالاخره آن روز، هشت خرداد، داشت افتتاح می شد. فرشته هم یکی از همین خیرین بود. جسمه های سنگی زیبا توجه ام را جلب کرده بود. از مسئولین پرسیده بودم و فرشته را نشانم داده بودند.

نقاشی های روی دیوار را نشانم دادم: یه تعدادی از اینا هم کار منه. مهربان لبخند زد و گفت: عالی هستن. کیان هم قرار بود بیاید، اما افتتاحیه که یک روز عقب افتاد، کیان مجبور شد همراه بقیه، راهی عروسی پسر خاله مان شود. همه رفته بودند، جز من که به



با دکتر دینانی در جهان مولانا

۳۶



کیمیای عشق

کریم فیضی

سویدای انسانی

این حرف مولانا یا حرف من بنده نیست. این سخن خداوند متعال است که نائی نی وجود انسان است، آنجا که می فرماید: و نفحت فیه من روحی. شما «نفحت» را چگونه معنی می کنید؟

مفهوم دمیدن در «نفحت» مسلم است. پس خداوند نائی یا نوازنده «نی» وجود انسانی است. انسان نیی است که خداوند در او نواخته یا او را نواخته است. «نفحت» دمیدن از نوع دمیدن در آتش و صورت نیست. پاسخ بدهید که «نفحت» به چه دمیدنی از انواع دمیدن ها شبیه است؟ اگر از من پرسید: می گویم به دمیدن نائی در «نی» و در آمدن صداهای زیبا. حق تبارک و تعالی در وجود خالی از غیر انسان کامل دمیده است. تا وجود خالی نباشد، نمی تواند در او دمید و صدایی هم از آن خارج نخواهد شد.

برگردیم به بیت مورد تفسیر و بحث سرّ. مراد از سرّ، سرّ سویدای انسانی است و سرّ سویدا، همان نفحة الهی است. نفحة الهی سرّ است، چون سرّ مخصوص خداوند است و هیچ موجودی غیر از خداوند سرّ نیست و سرّ هم ندارد. در این عالم سرّی غیر از خداوند وجود ندارد. اگر کسی بگوید سرّی غیر از خداوند هست، حرفش غلط است.

می توان گفت: به طور کلی سرّ امری الهی است. صرف نظر از حق تعالی هیچ سرّی در عالم نیست. هر جا سرّ است، نشانه حق است، چون حق تعالی سرّ محض و باطن محض است؛ باطنی که در عین بطون، عین ظهور است. این را هم می دانید که ظهور حق تعالی در ادراک است. اگر ادراک نبود، حق ظاهر نمی شد. اساساً چگونه می توان بدون ادراک ظاهر شد؟

بدون فرض ادراک و عقل، ظهور معنایی ندارد. قطعاً چنین است و اگر به طور مطلق ادراکی در عالم نبود، ظهور بی معنی می شد: نه جایی برای ظهور وجود داشت و نه فاعل و مفعولی برایش قابل تصور بود. ظهور با ادراک است و سرّ، باطن ادراک است و خداوند سرّ است. این حرف مولانا که می گوید: سرّ من از ناله من دور نیست. نشان می دهد که ناله و سرّ مولانا الهی است. نوعی از نفحة الهی است که در وجود خالی از اغیار مولانا دمیده شده و سخن او را انعکاس سرّ الهی کرده است.

پس مولانا در حال آشکار کردن سرّ الهی است و از زبان خداوند سخن می گوید.

اگر بخواهیم این موضوع را بی باکانه بیان کنیم، باید از تعبیر «وحی» و «الهام» بهره بگیریم. به عبارت دیگر: حق تعالی از زبان انسان صاحب سرّ حرف می زند. نفحة الهی در «نی» وجود آدمی دمیده می شود و از زبان آدمی خارج می شود. به عبارت دیگر: انسانی نبی است با سوراخ ها و روزنه هایی که یکی از آن روزنه ها زبان آدمی است که صدای حق از آن خارج می شود. موضوع بی تعارف چنین است. البته مولانا نبی نیست و ادعای نبوت هم نکرده است و هیچ کس هم نباید ادعای نبوت کند، چون نبوت با پیامبر خاتم (ص) خاتمه پیدا کرده است.

البته راه بهره گیری از وحی باز است و رشحاتی از وحی را می توان در اهل این قبیل معانی دید و درک کرد. پس ناله مولانا طبق تفسیر شما، بیان سرّ است. این سرّ چون ناله است، ممکن است به کلمه درنیاید.

حتی به صورت کلمه هم درمی آید. ناله انسان، کلام انسان است، منتهی با سرّ همراه است و اسرار انگیز است. در واقع ناله مولانا، صدای مولانا است. این «نی»، به دست حق تعالی نواخته می شود و آنچه از این «نی» صادر و ظاهر می شود، سرّ است. مسئله خیر و شرّ و خدا و شیطان را در اینجا می توان مورد بحث قرار داد.

ادامه دارد





دلنوشته های آهان آهان دار محبوب صالح علا

۸۱

من هرگز رقیب کسی نبوده‌ام!

دهانت بوی همه گل‌ها، نسیمی بوی شما را به آسمان می‌پاشد و ستاره‌هاست که چشمک می‌زنند. درختی شده‌ای با همه میوه‌ها؛ رسیده‌ای. نوروز آمده شما را ببیند. نوروز می‌آید تا روی ماه شما را ببوسد. پنجره‌های بی‌قرار روبه تو باز شده‌اند. تا چشم کار می‌کند همه‌جا نوروز است.

محبوبیم! ما کنار هم می‌مانیم تا سال تحویل شود. در افتتاح جهان کتاب‌ها درخت بودند. اجداد ما نامه‌هایشان را روی خاک باغ می‌نوشتند؛ آن‌ها به جای خداحافظی به رودخانه اشاره می‌کردند. مردمان قدبلندی که هر شب ماه را می‌بوسیدند و به بستر می‌رفتند؛ رودخانه‌ها به دنبال محبوبشان می‌دویدند. در اول همه عالم، یکسره تو بود.

ما اول مفرغ را کشف کردیم، بعد مس را، بعد برنج را و سپس نقره. تا تو آمدی و طلا را پیدا کردیم. باران گرفت. شیروانی‌ها را از شهر حلب آوردیم، اسم‌شان را حلبی گذاشتیم.



محبوبیم! تو که دیر می‌کنی، باد عبوسی می‌وزد و درختان بی‌حوصله با شاخه‌ها شیون می‌کنند. آتش‌ها گر می‌گیرند. ما تازه و تصادفاً صدلی رسیده بودیم، ولی دل نشستن نداشتیم. سراسیمه طول و عرض ثانیه را قدم می‌زدیم، پس کی می‌آید؟ چله تابستان پاییز شد ناگهان برگ‌ها زرد شدند. مرا به شمال فرستادند. برو به مازندران و همه ابرها راهی کردم به سمت جنوب. ابرهای مثل قو، عباس آباد، نشتارود، ولی آباد، تنکابن و رامسر. آسمان آنجا را صاف کردم.

غروب که شد، ناگهان وسط جاده خورشید را دیدم که پایین آمد، روبه‌رویم ایستاد، به چه بزرگی! راهم را سد کرده بود. من عقل کرده بودم که پیش پیش همه ابرهای آسمان را فرستاده بودم تهران. برای من عبور کردن از خورشید سخت بود؛ گل‌های آفتابگردان‌ها به من سرگردان راه را نشان دادند. من به تهران باز گشتم و آن‌ها به آفتاب.

محبوبیم! اکنون تویی و من و پنجره‌ای در دورها و بیابانی بی‌انتها. تو آهسته به مهتاب دور می‌شوی، من تا سپیده می‌مانم. تو در دورهایی، من فریاد می‌زنم که بیا. حادثه صبح اتفاق می‌افتد. **محبوبیم!** بیا. بیا نگاه کن آن خروسی را که پشت پنجره پیداست، و آواز قشنگش در میان دستان ماست.

محبوبیم! تماشا کن، تماشا کن دوباره روز می‌آید. چقدر این آفتاب آقااست.

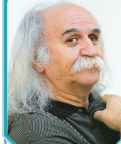
محبوب من! اذیت کردن من کاری ندارد. من که زوری ندارم، نه مالی، نه پولی، نه کسی هستم.

محبوبیم! با کسی مسابقه بده که اهل برد و باخت باشد. من که همه عمر به یک مساوی قانع بوده‌ام و همه قدرت من در مساوی کردن است. من که چنان شکسته‌ام که از این شکسته‌تر نمی‌شوم.

محبوبیم! چه کسی یک قرانی را خرمد می‌کند؟ من آن سکه یک قرانی‌ام که خردتر از آن نمی‌شوم.

محبوبیم! ممنونم برای بامادهای فراوان که مرا بیدار کرده‌ای و آینه‌ها که روبه‌رویم قرار داده‌ای.

محبوبیم! من هرگز رقیب کسی نبوده‌ام و هرگز نخواسته‌ام از کسی بهتر باشم. من از اول به همین که هستم قانع بوده‌ام.



حسن فرازمند

واکاوای سرگذشت واقعی رادیو در ایران - ۱۱

نخستین زنان گوینده رادیو ایران



مریم شهباز گوینده‌های نخستین رادیو ایران

در شماره های گذشته تقریباً تمام گفتنی‌ها درباره نخستین گوینده رادیو ایران یعنی «سیدرضا سجادی» از زبان دیگران و خودش گفته شد (گرچه فرصت نشد تایخشی‌هایی از گفتگوی او با روزنامه شهروند و اعتماد را نیز بیاوریم).

در این شماره اما از نخستین زنانی یاد می‌کنم که در مقابل میکروفن رادیو ایران نشستند و چون به طور پراکنده مطالب زیادی در این باره گفته شده، معلوم نیست کدامیک از آنان نخستین گوینده‌های رادیو ایران بوده‌اند. با این حال، از دوزن به نامهای بانو «طوسی» حائری و بانو «قدسی رهبری» به عنوان اولین گوینده‌های رادیو یاد شده است که از قدسی رهبری اطلاعات چندانی در دست نیست، اما از بانو طوسی حائری (که همسر اول احمد شاملو هم بوده است) اطلاعات دست و پا شکسته و جسته گریخته‌ای بازگو شده است.

آن طور که بسیاری از منابع نوشته‌اند، بانو طوسی حائری مازندرانی در سال ۱۲۹۶ در مشهد چشم به جهان گشود. پدرش محمد باقر حائری استاد دانشکده حقوق، کارشناس عالی‌رتبه و رییس تجدید نظر محکمه شرع بوده است. طوسی حائری مازندرانی به نام طوسی حائری معروف است. او پس از گذراندن دوران دبستان و دبیرستان در ایران به خارج از کشور رفت و در بین سالهای ۱۳۲۹ - ۱۳۲۸ دکترای ادبیات فرانسه را از دانشگاه سوربن دریافت کرد. در بازگشت به ایران در امتحان گویندگی رادیو شرکت کرد و به دلیل داشتن صدای مناسب و تحصیلات عالی توانست به عنوان اولین گوینده زن به رادیو راه یابد.

علاقه به شعر و ادبیات و فعالیت در مجلات هفتگی هفته و آشنا سبب آشنایی او با احمد شاملو شد. بانو طوسی حائری در سال ۱۳۳۵ با احمد شاملو، شاعر و مترجم نامی ایران ازدواج کرد، ولی متأسفانه این پیوند ادامه نیافت و به جدایی انجامید.

بانو حائری در انتشار مجلات هفته، آشنا و ترجمه کتاب پاره‌ها با احمد شاملو همکاری داشت و علاقه فراوانی به شعر، ادبیات، نقاشی، کوهنوردی و شنا داشت. وی در ابتدای تأسیس قانون بانوان، پس از سال ۱۳۱۷ از نزدیک با خانم‌ها بامداد، مصاحب و دکتر منوچهریان همکاری داشت. او سال‌ها به عنوان دبیر ادبیات

رضای ورزش بود و می‌نوخت. اینها را هم مردم می‌خواستند. از هنرپیشه‌ها، سارنگ و صادق بهرامی و دیگران بودند.

پیش‌پرده‌خوان هم داشتیم که اشعار طنز آمیز خطاب به دولتی‌ها و نزدیکان آنها می‌گفتند؛ هنرمندان آن شیبانی و مجید محسنی و چند نفر دیگر بودند. بعضی از دولتی‌ها از این تکه‌پرائی‌ها بدشان نمی‌آمد. وزیر فرهنگ از میان آنها بیشتر با رادیو ارتباط داشت و از برنامه‌های طنز خوشش می‌آمد.

از دیگر گویندگان زن یعنی خانم قدسی رهبری و خانم کوکب رجاء اطلاعات چندانی در دسترس نیست و اگر کسانی اطلاعاتی در این زمینه دارند برایمان ارسال کنند تا به نام خودشان چاپ شود.

واما نخستین نویسندگان رادیو ایران

درباره نخستین نویسندگان رادیو ایران هم نقل و قول‌های زیادی وجود دارد که در تاکنر آنها از حسینی مستعان به عنوان یکی از اولین نویسندگان رادیو اسم برده شده است. درباره او نوشته‌اند: حسینی مستعان پس از اتمام دوره دبیرستان در دارالفنون مدتی در مدرسه علوم سیاسی به تحصیل پرداخت. وی کار روزنامه نویسی را از سال ۱۲۹۸ آغاز کرد و از ۱۷ سالگی در روزنامه نیمه رسمی ایران فعالیت داشت و نخستین شعرها و داستان‌های کوتاه خود را در روزنامه‌های «نسیم شمال»، اتحاد و روزنامه ایران منتشر کرد. قصه نویسی رانیز از سال ۱۳۱۴ در مجله «مهرگان» با نام مستعار «ح.م. حمید» آغاز نمود.

در کار ترجمه هم دست داشت. ترجمه «بینوایان» اثر ویکتور هوگو که از جمله ترجمه‌های اوست یکی از بهترین ترجمه‌های بینوایان به شمار می‌رود. او در سال ۱۳۱۹ مجله «راهنمای زندگی» را منتشر کرد و بدون وقفه از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ - یعنی ۵۷ سال - قلم زد. مستعان پس از واقعه شهریور ۱۳۲۰ مدتی به سیاست روی آورد و سردبیر و مدیر برخی از روزنامه‌های سیاسی آن زمان مانند روزنامه‌های «اخبار روز، اخبار و دستور» شده و از دهه ۱۳۲۰ برای بعضی از برنامه‌های رادیو می‌نوشت. او در سال ۱۳۲۸ رئیس شورای نویسندگان رادیو شد. مستعان بسیار پرکار بود و گاهی در هفته، هفت تا هشت پاورقی و داستان کوتاه می‌نوشت و همه را مرتب و بدون تأخیر می‌رساند.

وی از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۰ در «مجله رادیو» داستان کوتاه می‌نوشت. اغلب نوشته‌های او در «مجله رادیو» داستان‌های پندآموز اجتماعی بود که با یک نتیجه‌گیری اخلاقی پایان می‌یافت. بسیاری از داستان‌های او در برنامه‌های رادیو استفاده می‌شد.

او نثری روان و ساده داشت و دارای تخیل قوی بود و در شخصیت پردازی مهارت زیادی داشت. نوشته‌هایش پیش نویس و پاکتویس نداشت و از همان آغاز کار، شروع به نوشتن می‌کرد. وی ۱۰۰۰ داستان کوتاه و ۲۰۰ کتاب نوشته است و به مرد هزار داستان شهرت دارد. او مدتی هم به کار نمایشنامه نویسی مشغول شد و طی سال‌های دهه ۳۰ و ۴۰ نمایشنامه‌های زیادی برای رادیو نوشت. مستعان در اواخر دهه بیست مدتی به ریاست رادیو منصوب شد.

ادامه دارد

حافظ در پس آینه



● سید محمود سجادی

که حافظ با توجه به عربی دانی اش و سابقه سرودن ملمعات جزیل و فصیح و علاقه‌اش به استاد انوری، آن را به این صورت تضمین در تضمین و استقبال در استقبال کرده و یا اینکه خود مستقیماً به شعر فندالزمانی دسترسی داشته (که قراین امر اشراف حافظ به اشعار عرب و مقلات شاعران جاهلی را نشان می‌دهد) و می‌دانیم که حافظ مرد جزمگرایی نبوده، هرگز اعتقاد به «انا ولا غیر» نداشته و هرگاه که مضمونی یا عبارتی از شاعران مورد علاقه‌اش در روحش و وجدان شاعرانه‌اش نفوذ کرده، آن را در شعر خود آورده.

اما همانطور که گفته آمد، این مضامین یا عبارات در دنیای پرغوغا، رنگین، معجزه‌گر و نبوغ آمیزش صیقلی می‌شوند، تراش می‌خورند، سخته و سفته می‌شوند و آنگاه به جهان مستقل شعر او وارد می‌گردند:

بیا ای طایر دولت بیاور مژده وصلی

عسی الایام ان یرجعن قوما کالذی کانوا
البتة محبت تضمین، اقتباس، توارد و... در شعر حافظ نیز مانند شعر هر شاعر دیگر مطرح است و خالی از هرگونه تعصب باید گفت که حافظ هم در طیف تأثیرات روحی و احساسی جهان آفاقی و انفسی خود قرار دارد و چگونه ممکن است کسی شاعر باشد، اما مطالعه نکند و تحت تأثیر مطالعات و مشاهدات خود قرار نگیرد؟

این کاملاً طبیعی است که حافظ نیز به تبع مشاهدات، مطالعات، دیده‌ها و شنیده‌ها و علایق مشترک با شاعران دیگر و یا علاقه و ارادتش به بعضی شاعران سلف یا قریب العهد، تمثیلی، تلمیحی، نکته‌ای یا مصرع و یا بیتی را در شعر خود بیاورد که شاعر دیگری نیز گفته و یا حتی مستقیماً سروده است.

اما در مورد حافظ جداً باید توجه داشت که مقوله تقلید و انتقال و سرقات ادبی هرگز و هرگز موضوعیت ندارد و همانطور که گفته آمد، چنانچه مضمونی از شاعر دیگر اتخاذ کرده، آن را حافظانه کرده است و این هم یکی از شواهد نبوغ احترام انگیز حافظ است.

استاد ادیب بزرگوار جلال همایی در کتاب مَدَرسِ مفید دوجلدی خود (فنون بلاغت و صناعات ادبی) در این مورد یعنی محبت توارد و اقتباس و تتبع و تضمین و غیره و غیره افاضات مفصل و دقیقی فرموده‌اند (در پایان جلد دوم، انتشارات توس، ۱۳۶۱، تهران) که می‌توان به آن مراجعه کرد.

حضرت استاد در بخشی از مقالات مذکور می‌فرمایند: «... همچنین ممکن است مضمون شعری را از گوینده دیگر بگیرند و با حفظ موضوع... در قالب الفاظی دیگر به‌روراند و در این خصوص مابین شعر، این قاعده معروف است که هرگاه شاعر دوم و فکر و مضمون را بهتر و شیواتر از گوینده اول به نظم در آورده باشد، نه تنها تهمت سرقت بر وی نباید نهاد، بلکه شایسته است که خود او را صاحب آن فکر و مضمون بشناسند...»

در شعر حافظ نمونه‌هایی از اقتباس، ارسال المثل، تلمیح، توارد (یا توارد خاطرن)، تضمین، مجابات و... دیده می‌شود که نه تنها بوی حتی از شائبه انتقال و العیاذ بالله سرقات ادبی در آن وجود ندارد، بلکه در اعتلاء سخن و استحسان کلام آن شاعران سلف یا معاصر از خود مهارت و بلاغت و تیزهوشی نشان داده است.

شاید اقتباس حافظ از شاعران بزرگی چون: رودکی، سعدی، انوری، سلمان ساوجی، عمار فقیه کرمانی، خواجوی کرمانی و... نشانه ارادت و محبت او به آنهاست و حافظ نازنین شعر شناس شاعر دوست به این وسیله خواسته است نسبت به آنها ابراز علاقه و صمیمیتی بنماید و یا شعر خوب را از هر کس که باشد پذیرفته و عنداللزوم مورد تتبع قرار دهد.

ادامه در صفحه ۵

«ما به او محتاج بودیم، او به ما مشتاق بود» و بسیاری نمونه‌های دیگر. حافظ پژوه اخیرالذکر در این مقوله چنین افاضه فرموده‌اند: «تأثیر سنایی بر حافظ چندان از نظر صوری و ساختاری نیست، بلکه بیشتر محتوایی است.

ظاهر سنایی نخستین شاعری است که قلندریات عارفانه سروده، حدیث از مطرب و میخانه و خرابات در میان آورده است. نخستین شاعری که رندنواز است،

البته فضل تقدم برای شاعران مورد علاقه و استقبال حافظ محفوظ است ولی باید دانست که حافظ کار آنها را تکمیل کرده و به نحو چشمگیری زیباتر، خواندنی‌تر، جذاب‌تر، و «شعر» تر کرده است.

ما شعرهای زیاد و ابیات معتناهی از حافظ در دست داریم که با اندک تاملی در شعر پیشینیان به تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم حافظ از آنها و یا اقتباس حافظ از آن اشعار و ابیات پی می‌بریم مانند



سنایی است. تجاهر به فسق - به قصد ملامت شنوی و تهذیب نفس و زدودن ریاء - در دودنوشی و خرابات پروری و ترک مسجد و صومعه و روی آوردن به خرابات و پرداختن به معیجه و می‌مغان، که او جش در شعر حافظ است، سرآغازش در شعر سنایی است.»

(خرمشاهی، بهاءالدین، حافظ‌نامه، ج ۱ ص ۴۲) و بسیاری نمونه‌های دیگر که تأثیرپذیری حافظ را از این شاعر حکیم عارف سترگ نمودار می‌کند. اگر استاد فقید، توانای ادیب پژوهنده مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر می‌فرماید: «... نوع شعر قلندری... [که] حافظ آن را به اوج کمال رسانیده است، دستکار صنعت، فکر و فصاحت... حکیم سنایی است...» (سخن و سخنوران، خوارزمی، ص ۲۵۵) مطمئناً سخنی به گزاف نگفته‌اند؛ چرا که نه حافظ نیازی به گزافه‌گویی دارد و نه محقق متبع سختگیری چون استاد فروزانفر اهل مجامله و مداخله است.

انوری ابیوردی (اوحدالدین محمدبن محمد، متوفای ۵۸۵ هجری قمری) که در قرن ششم از نظر قصیده‌پردازی چهره‌ای شاخص و متعین است و در غزلسرایی نیز تجارب و آثار دلنشین دارد و بسیار مورد احترام حافظ بوده، نیز از کسانی است که در شعر بلند حافظ کم و بیش اثر گذاشته و بعضی اشعارش این بخت بیدار را داشته‌اند که مورد پیروی و اقتباس حافظ قرار گیرند. به این بیت انوری توجه فرمایید:

نگر تا حلقهٔ اقبال ناممکن نجبنانی

سلیمان، ابلهما، لا بلکه مرحوما و مسکینا که حافظ عزیز با آن کلک خیال‌انگیزش آن را چنین مورد اقتباس قرار داده که بی‌شک آن را زیباتر و دلنشین‌تر ساخته است:

خیال چنبر زلفش فریب می‌دهد حافظ

«نگر تا حلقهٔ اقبال ناممکن نجبنانی» انوری در پایان یکی از غزلیات خود مصرعی از «فندالزمانی» شاعر عرب عصر جاهلی^۱ را چنین تضمین کرده:

همی گویم به آوازی که جز جان را خبر نبود

عسی الایام ان یرجعن قوما کالذی کانوا

شعرهایی از سنایی غزنی (ابوالمجد مجدودبن آدم، متوفای حدود ۵۳۵ هجری قمری شاعر عارف و حکیم و صاحب «حديقة الحقیقه» و دیوان مفصل قصاید و غزلیات و قوالب دیگر شعری) در اختیار داریم که به خوبی تأثیر آنها را بر شعر حافظ درمی‌یابیم.

البته سنایی از آن بزرگوارانی است که اقتباس از اشعارش و انتقال و تقلید از او نمی‌تواند کسر شانی برای شاعر باشد، بلکه حتی می‌تواند موجب فخر و مباهات او نیز باشد. مردی که مولانا با آن عظمت در مدحش شعرها گفت و در رثایش نیز غمگانه سرود:

گفت یکی خواجه سنایی بمرد

مردن این خواجه نه کاری است خرد
کوه نبود او که به کاهی بختست

آب نبود او که به بادی فسرد
غزل معروف و ملمع:

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه

انی رأیت دهرا من هجرک القیامه
که بالکل از غزلی با همین وزن و قافیه و سبک و سیاق و موضوع و محتوا از سنایی اقتباس شده است:

دی ناگه از نگارم اندر رسید نامه

انی رأیت دهرا من هجرک القیامه
که زیبایی‌های بی‌تاب کننده و توجه هوشمندانه حافظ به مضمون و محتوا و بار عاطفی کلمات در بیت حافظ و ارجحیت کار او بر سنایی کاملاً آشکار است. کلمهٔ «ناگه» نقیض حالت انتظار عاشق برای نامه معشوق است و رسیدن نامه پایان بخش هجران است. پس با وجود وصول نامه می‌توان سؤال کرد که شاعر (سنایی) دیگر چرا از هجر می‌نالد و دنیا در نظرش قیامت است؟ اما در بیت حافظ همه ظرایف بدیهی و بدایع معنوی مستجمع‌اند، واژه نوشتن، آن هم با خون دل به جای مرکب به گیرایی و زیبایی بیت کمک شایانی می‌کند مضافاً بر اینکه نامه‌ای از معشوق نرسیده، بلکه این شاعر (عاشق) است که نامه‌ای به معشوق می‌نویسد.

یا مصرع «آن که مستغنی بد از ما هم به ما محتاج بود» از سنایی که حافظ آن را چنین اقتباس فرموده:

آنچه مسلم است «حافظ» شاعری فرهیخته، باسواد، شعرخوان، شعرشناس، شعردوست و حتی شعرپژوه بوده است و از بهترین آثار شاعران قرون گذشته تا زمان خود را احتمالاً از رودکی به بعد گزینده‌ای گرد آورده که آن را «سفینه غزل» نامیده و معمولاً با آن سر و کار داشته:

در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است

صراحی می ناپ و «سفینه غزل» است
و این کار در قدیم الایام بسیار مرسوم بوده است که شعر دوستان و صاحب‌نظران که طبعاً نمی‌توانسته‌اند همه دواوین شاعران را در اختیار داشته باشند و در دیوان‌های شاعران غث و ثمین فراوان وجو داشته لذا برحسب ذوق و سلیقه شخصی خود «بهترین» های شاعران سلف یا همزمان خود را در دفتری گردآورده‌اند. با بالا رفتن حجم کارهای ادبی و عدم تکافوی وقت و حوصله ادیبان و شاعران لزوم تهیه و تدوین چنین «گزینه»‌هایی بیشتر و بیشتر احساس می‌شده است. در کتابخانه سلطنتی سابق تهران زمانی که خانم «دکتر بدری آتابای» مسئولیت آن کتابخانه با ارزش را به عهده داشت دو منتخب جالب از غزلیات سعدی و حافظ دیدم که توسط «ناصرالدین شاه» گردآوری شده بودند و به گمانم بهترین غزلهای آن دو عزیز توسط شاه شعرشناس و شاعر مسلک گردآوری شده بود که امیدوارم آن دو کتاب جالب و ارزشمند از خطرهای ارضی و سماوی مصون مانده باشند.

در سال ۱۹۵۰ میلادی «پروفسور هانری ماسه» مستشرق و ایران‌شناس فرانسوی مجموعه ارزشمندی به نام «منتخبات فارسی» (Antologie persan) گردآوری کرده و به چاپ رسانده بود که مطمئناً نسخی از آن در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

تهیه و تدوین این گزینه‌ها و جنگ‌ها به خاطر گزیده بودنشان و نیز سهولت حمل و نقل در اشاعه شعر شاعران نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و در معرفی شعر و ادب ایران به هنرمندان و شعر دوستان اروپا و آمریکا و به طور کلی جهان خارج نیز کاملاً موثر بوده است.

حافظ به بعضی از شاعران قبل از خود ارادت و علاقه‌ای خاص داشته که رد پای شعر آنان را در غزل‌های او به خوبی می‌بینیم. «تأثیر بعضی از شاعران - مثل سنایی، انوری، سعدی، خواجو و... - مستقیم است و تأثیر بعضی دیگر چون فرخی و منوچهری غیرمستقیم و پنهان هرچند که حافظ نبوغ خود را و قدرت حیرت‌انگیز شاعرانه‌اش را در بالا بردن کیفیت و زیبایی و معنی‌گرایی شعرهای مورد اقتباس خود نشان داده و عظمت کلامی و اندیشگی او کارهای پیشینیان را تکمیل و تعالی بخشیده است.

بهاءالدین خرمشاهی در مقدمه «حافظ‌نامه» خود (چاپ اول، ۱۳۶۶) می‌گوید «یکی از ابواب مهم حافظ‌شناسی، کسودکاو در کم و کیف تأثیر سخن پیشینیان بر سخن حافظ است».

این بحث و فحص از یک سو تا حدودی اعجاب ما را به هنرمندی حافظ کاهش می‌دهد.^۱ چرا که پیشینه بسیاری مضامین و اندیشه‌ها و صنایع و ظرایف شعری او را در آثار پیشینیان می‌یابیم، ولی از سوی دیگر تعجب و اعجاب دیگری در ما برمی‌انگیزد که پی می‌بریم حافظ تا چه حد سخن‌شناس و طبعش نسبت به ظرایف آثار دیگران حساس بوده است.

چنان که به حق مشهور است، حافظ اغلب، بلکه همه مضامین یا صنایع مقتبس از دیگران را از صاحبان اصلی آنها بهتر ادا می‌کند. تصور نمی‌کنم که حافظ حتی یک مضمون مقتبس را به خوبی اولیه‌اش، و خوبتر از آن باز آفرینی و تکمیل نکرده باشد. مهم آن است که آنچه خوبان در مجموع دارند، حافظ به تنهایی دارد»

سینما و تلویزیون



خاطرات اجتماعی استاد امین الله رشیدی در
عرسه آواز و موسیقی

یک عمر خاطره

۱۶۱

و سعدی از سوی دیگر شاعرانی همچون ظهیرالدین
فاریابی را که در مدح قزل ارسلان گفته بود:

نه کرسی فلک نهد اندیشه زیر پای

تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان زند

پاسخی حکیمانه چنین داد:

چه حاجت که نه کرسی آسمان

نهی زیر پای قزل ارسلان

مگو پای عزت بر افلاک نه

بگو روی اخلاص بر خاک نه

حال که نام شاعر بزرگ و مشهور ایرانی، ظهیرالدین

فاریابی به میان آمد، بی‌مناسبت نیست اگر چند بیت از یک

غزل شاد و عاشقانه او را که بنده نیم قرن پیش با تیتراژ «لیموی

سرو» در دفتر یادداشت‌های شعری خود نوشته‌ام بخوانیم و

سپس مطلبی دیگر مربوط به او:

گرفتارم به دام چین زلف عنبرین مویی

فرنگی زاده شوخی، کافری، زتار گیسویی

دل از یوسف بری، مجنون فریبی، کوهکن سوزی

زلیخا طلعتی، لیلی و شی، شیرین سخن گوئی

یکی خال سیاه جا کرده در کنج لب لعلش

که گویا بر لب آب بقا بنشسته هندویی

رسیده گوشهٔ ابرو به چشم سرمه سای او

تو پنداری کمانداری است در دنبال آهوئی

به رو چون مَه، به بو چون گل، معاذالله غلط گفتم

ندارد مَه چنین رویی، ندانند گل چنین بویی

میان خوب رویان سربلندی می‌سزد او را

که دارد چون «ظهیر» او، عاشق زار دعاگوئی

و اما موضوعی که در ارتباط با ظهیر فاریابی است، این

است که شاعری در قرون گذشته (قرن ششم هجری) که

معاصر عارف و شاعر مشهور، مولانا عبدالرحمن جامی بوده

و گویا از ایشان کدورتی در دل داشته (و امثال این کدورت‌ها

همیشه و در هر زمان بین جماعت شاعران و هنرمندان بوده و

موجب بگو مگوها و هجوها و طنزهای گزنده، و ضمناً دلنشین

شده که گاهی هم بسیار جالب است) وقتی خبردار می‌شوید

که جامی عازم زیارت خانه خدا است پس فوراً این قطعه شعر

را سروده، یک جوری به او یا به گوش او می‌رساند:

ای باد صبا بگو به جامی

آن دزد سخنوران نامی

بر دی سخنان کهنه و نو

از سعدی و انوری و خسرو

اکنون که سر حجاز داری

و آهنگ حجاز ساز داری

دیوان ظهیر فاریابی

در کعبه بدزد اگر بیایی!

البته مسئله «دزدی مضمون از دیگران» پدیدهٔ تازه‌ای

نیست و در عالم هنر-شعر، نقاشی و سینما نظائر فراوان

دارد و اخیراً هم مشاهده می‌فرمایید که بعضی از سینماگران

مملکت ایران که به فقر سوژه گرفتارند، گذشته از کیش رفتن

سوژه‌های فیلم‌های دیگران، حتی نام و عنوان فیلم خود را

به‌طور آشکار، خیلی ساده و راحت روی فیلم خود می‌گذارند!...

مثل «می‌خواهم زنده بمانم» و غیره.

چنین نقل کرده‌اند که در زمان قدیم، شاعری در

جست‌وجوی مضمونی نو، به هر دری می‌زده و به هر کجا

سر می‌کشیده است. شاعری دیگر که از کنکاش او خبر داشته،

به او پیغام داده که ببخود خودتان را خسته نکنید، چون که:

هر کجا مضمون خوبی بود، ندان نیستند

هست مضمون نیستند بند ثنبان شما!

که آدم در موقع خواندن این بیت، بی‌اختیار به یاد سرودهٔ

علامهٔ اقبال لاهوری می‌افتد که گفت:

چون چراغ لالهٔ سوزم در خیابان شما

ای جوانان عجم، جان من و جان شما



• سیدرضا صائمی

حاشیه نگاری بر یک خبر لبخندآفرین

وقتی خانم بازیگر کارگردان می‌شود!

پرشش‌هایی که قوانین و ساز و کارهای تولید
فیلم در ایران را به چالش می‌کشد. مثلاً اینکه این
چه ساختار و مدیریتی در سینمای ماست که کسانی
مثل بیضایی و تقوایی نمی‌توانند در آن فیلم بسازند
و با هزاران مانع و بن بست مواجه می‌شوند، اما
یک سلبریتی که بازیگر دست‌چند سینمای ایران
است، به راحتی امکان فیلمسازی پیدا می‌کند و در
آینده نام کارگردان را به خود یک می‌کشد. نامی
که در خوانش‌های عوامانه مردمی که سلبریتی
پرست هستند، به تدریج به یک اعتبار حرفه‌ای
بدل می‌شود!



در میان واکنش‌های تحلیلی به این موضوع،
پوریا ذوالفقاری منتقد سینما از زاویه دیگری به این
مساله پرداخت که بیش از آنکه نقدی در تصمیم
این کارگردان باشد، نقدی بر ساختار و فرایند تولید
فیلم و فیلمساز در سینمای ما بود که واقعیت‌های
تلخی را دربرداشت. این منتقد در صفحه اینستاگرام
خود نوشت:

«او اگر زودتر از این‌ها (با بدون وجود چنین
سوء سابقه‌ای!) تصمیم به فیلمسازی می‌گرفت،
می‌توانست یکی از اکثریت فیلمسازان این دیار باشد.
یکی از همان‌هایی که پیرو روابط و آشنایی‌های
گسترده‌شان، با جذب سرمایه و دعوت از دوستان
و همکاران کاربلد و «اکشن» گفتن و «کات» دادن،
بالاخره فیلم می‌سازند و کم‌کم اصطلاحات و تکیه
کلام‌های لازم برای تکمیل ژست سینمابلدی را
می‌آموزند و به مرور زمان دوستان رسانه‌ای هم
می‌یابند و پس از مدتی صاحب جایگاهی می‌شوند
که نه کسی جرأت کند اشتباهات سینمایی فیلم‌شان
را به رخ‌شان بکشد و نه بی‌سواد و غلط‌های
نگارشی و ویرایشی نوشته‌شان را.

به شخصه معتقدم که سحر قریشی باید فیلم
بسازد. مرور صرف میزان حضور او سر صحنه فیلم‌ها
و سریال‌ها، به ما می‌گوید آگاهی و شناختش از
مناسبات و اصول اولیه فیلمسازی، از بسیاری از
فیلمسازان مدعی کنونی، زمانی که مشغول ساخت
نخستین فیلم‌شان بودند، بیشتر است و راستش شاید

«طی ۶ ماه دوم اسفند، پشت‌دوربین نخستین
فیلم خود که یک ملودرام اجتماعی است، می‌روم.»
این اظهارنظر «سحر قریشی» در هفته
گذشته، کافی بود تا موجی از واکنش‌طنز و
تمسخر علیه این بازیگر سینما به راه‌افتد و
تحلیل‌های گوناگونی از این خبر در شبکه‌های
اجتماعی، خبرگزاری‌ها و مطبوعات شکل بگیرد.
حتی کاریکاتوربست‌ها هم به عنوان موضوعی طنز
به آن پرداختند.

بخشی از تحلیل‌ها نه صرفاً در خوانش این
خبر که به بهانه این خبر به ساز و کار ساختار و سیستم
سینمایی در ایران می‌پرداخت و معایب آن را مورد نقد
قرار می‌داد. از جمله اینکه «سلبریتی زدگی»، اعتبار
و جایگاه هنری سینما را حتی در سطح کارگردانی
و فیلمسازی به چالش کشیده و آن را بی‌هویت
کرده است.

واقعیت این است که تحلیل‌هایی از این
دست، نباید صرفاً به دلیل حضور یک بازیگر
در کسوت فیلمساز باشد که پیش از این هم
نمونه‌های زیادی از آن وجود داشت. نمونه‌هایی که
برخی موفقیت‌های درخشانی داشتند؛ همچون رضا
عطاران در حوزه کمدی و هومن سیدی در ساخت
درام‌های اجتماعی.

اگر معیار قیاس را جنسیت بازیگر هم
لحاظ کنیم، پیش از این، زنان بازیگری بودند که
فیلمسازی را تجربه کردند و می‌کنند و موفقیت
نسبی هم داشتند. نمونه بارز آن نیکو کریمی.

اما واکنش‌های منفی نسبت به کارگردان
شدن سحر قریشی، بیش از آنکه در مقام بازیگر یا
متکی بر جنسیت او باشد، به تصویر ذهنی مخاطبان
منتقد از او هم به عنوان بازیگری که سواد سینمایی
کمی دارد.

سحر قریشی در چند سال پیش در برنامه
دید در شب و در گفتگو با رضا رشیدپور به
شکل عجیبی فرانسویس فورد کاپولا و کوئنتین
تارانتینو، کارگردانان شهیر آمریکایی را شناخته بود
و هم حتی به خاطر سطح و کیفیت بازی‌هایش که
چندان مورد پسند نیست و هم به برخی سلبریتی
بازی‌هایی که در فضای مجازی و شبکه‌های
اجتماعی و حاشیه‌های مرتبط با آن وجود داشته
است. این واکنش‌ها کم و بیش نسبت به بهار
افشاری و مستندی که درباره اسب سردار آزمون
ساخته نیز وجود داشت.

فارغ از این اتفاق و موج واکنش‌های منفی
نسبت به این خبر (البته شاهد واکنش‌های مثبت
از سوی هواداران سحر قریشی و واکنش‌های هم
بودیم)، آنچه که از پس این خبر واجد اهمیت است
و می‌تواند به مثابه یک سوژه ارزشمند سینمایی
مورد تحلیل قرار بگیرد، نوعی آسیب‌شناسی ساز و
کارهای فیلمسازی در ایران است که گاه «هویت و
حریت فیلمسازی» را به پرشش می‌گیرد و علامت
پرشش‌های زیادی را شکل می‌دهد!

ادامه از صفحه ۴

همچنان که در قضیهٔ مصرع
معروف و پرماجرا «الا یا ایها الساقی
أدرکاساً و ناولها» که به یزیدبن معاویه
انتساب داده شده (هر چند که مورد
تشکیک و تردید گروهی از ادیبان
حافظ‌شناس نیز قرار گرفته)، بدون
عطف نظر به شئامت گوینده‌اش و
نفرتی که مردم و مخاطبانش از او

دارند، آن را نقل کرده و مورد اقتباس
قرار داده است. (و متأسفانه در نظم
الفبایی دیوان حافظ اولین غزل و
مطلع دیوانش واقع شده است.)

در مورد «گر به عابد» هم در
مصرع «غره مشو که گریهٔ عابد نماز
کرد» و داستانی که به عماد فقیه
کرمانی نسبت داده‌اند، مطمئناً به

عماد فقیه که مورد علاقه حافظ بوده،
بر نمی‌گردد.

پی‌نوشت:

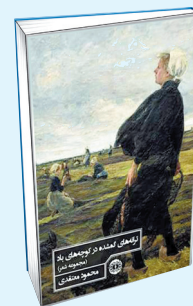
۱- من البته با این نظر ایشان موافق
نیستم چرا که نبوغ حافظ آن چنان در این،
صنعت از اشعار اثر می‌گذارد که نقش
سرایندهٔ اولی حتی حس نمی‌شود.

۲- شاعران عرب قبل از اسلام

که شعرای سبزه از آن گروهند و
آنان سروده‌های حماسی و خمریه و
کامیابی‌های توام با تغزل و عشق‌بازی
خود را به همراه لاف و گزاف‌های قبیل‌های
منظوماً به خانه کعبه می‌آویخته‌اند و به
همین جهت به مقلات معروف شده‌اند.
دکتر طه حسین استاد اعمی معروف
جامعهٔ الازهر مصر کتاب مفصلی در مورد
شعر جاهلی عرب دارد.

تازه‌های کتاب

ترانه‌های گمشده در کوچه‌های باد



جدیدترین مجموعه شعر «محمود معتقدی» با عنوان «ترانه‌های گمشده در کوچه‌های باد» در ۵۵ صفحه توسط انتشارات آردامان منتشر شد. این کتاب مجموعه‌ای از شعرهای کوتاه به هم پیوسته از این شاعر پیشکسوت، در قالب سپید و در چند اپیزود است.

بخش‌های این مجموعه شعر عبارتند از: «گاهی از انتهای جهان به سراغت می‌آیم»، «بار دیگر همه تنهایی دست را به من بده»، «میان رنگین‌کمانی از جنس ستاره و باران»، «چیزی نگو! روزهای دوست داشته شدنت دارد به باد می‌رود» و «ایستادن و / مردن / کمی هم در سرزمین‌های باد و / خاطره». چند نمونه از شعرهای این مجموعه را با هم مرور می‌کنیم:

(۱)

همین یک راه کوچک را
به یاد دارم
دیگر خودم هستم و
با همه سایه‌های گمشده‌ام
به پاییز یونان که می‌رسم
همچون پناهجویی / به صف دریا می‌زنم

و

نام کوچکت را / همانند ترانه‌ای
طولانی
با خود / به زمزمه‌ای باز می‌نشینم
کوچه‌های آسمانم را / پیاده می‌آیم!

(۲)

چقدر به یاد قایقت / پیر و / پیرتر
می‌شوم
انگار / دریا / از نام کوچکت شروع
می‌شود
تا آب‌های جهان / تنها / یک مهربانی
دیگر
با تو / فاصله دارم
به کشف رؤیاهایت سفر می‌کنم

(۳)

از جهان خاطرت برمی‌گردم
آخرین سطرهای باران / برای
می‌نویسم
فردا

بوی سرخ سیب
بوی انارهای اندکی خاموش
بوی خیس گیسوان عاشقانه‌ات
به صحنه می‌آیند و
مردم دلتنگ / شبیه روزهای تو
می‌شوند
سکانس زیبایی داری!

نگاهی پرسشگرانه به یک مقوله

آرخیسم در ادبیات و شعر



عابدین پایی

می‌گویند که به پرسیمان عرفان کمکی بایسته است، اما با ریز شدن در این پرسیمان به نتایجی دیگر هم از حیث مفهوم می‌توان رسید. از این نگاه، عرفان تنها به معنی شناساندن نیست بلکه به معنی شناساندن شناخت است. به دیگر بیان شناخت مفهومی از یک شناخت که هم می‌تواند حقیقتی معنوی باشد و هم واقعیتی مادی عرفان می‌گویند.

عبور از شاخک‌های آگاهی و رسیدن به خود آگاهی در جهت غرق و استحاله در دل آگاهی را عرفان می‌گویند. عرفان در دو حالت خود را نشان می‌دهد. یکی حالت تئوریک آن است و دیگر حالت پراگماتیک آن. در حالت تئوریک نظر بر عمل چربش دارد، اما در حالت پراگماتیک عمل بر مفاهیم نظری استیلا می‌یابد. فلسفه نیز به معنی خرد دوستی به کار رفته است و در یک تعریف کلی مطالعه مسائل کلی و اساسی، درباره موضوعاتی همچون هستی، واقعیت، آگاهی، ارزش، خرد، ذهن و زبان است.

واژه فلسفه شکل معرب واژه یونانی فیلسوفیا و به معنای دانش دوستی یا دوستدار دانش به کار رفته است. فیثاغورس نخستین کسی بود که خود را فیلسوف یا فیلا سوفا نامید که از ریشه فلسفه است او به جای اینکه خود را مرد دانای (Sophos) (بنامد، خود را (Philo) (دوستدار دانش (Sophos) (دانایی) نامید.

با این تعابیر دریافت این است که بدون عرفان و فلسفه، ادبیات و هنر نمی‌تواند به آن راز گونگی نهایی خود دست یابد و برای یافتن و دریافتن مفاهیم حقیقی هنر بایستی به نوعی تلاش برای نیل به ادراکی بی واسطه دست یافت که این مهم عرفان است. از جانی دیگر پرسیمان فلسفه مدنظر است که در گویش و پوشش ادبیات و هنر نقش و اهمیتی کارآمد را بر عهده دارد؛ زیرا که از فلسفه به معنای خرد دوستی یاد می‌شود و خرد هنر نیز فلسفه است.

فلسفه به مطالعه هستی، واقعیت، آگاهی، ارزش، خرد، ذهن و زبان می‌پردازد و ادبیات و هنر نیز از این ویژگی‌ها به دور نیستند. یک هنر نیاز است که از بن مایه ای هستی شناسانه برخوردار باشد و بازنمایی واقعیات در هنر ضروری است.

از سویی دیگر آگاهی، ارزش، خرد، ذهن و زبان است که هر کدام از این مؤلفه‌ها لازم‌ه‌ای فرآیند برای هنر و هنر مند به شمار می‌روند، به گونه ای که هر هنرمندی که به آگاهی، خود آگاهی و دل آگاهی دست نیابد هنرمند نیست و ارزش و خرد در یک اثر هنری به اندازه ای خود هنر ارزشمند است. ذهن و زبان نیز از مهم ترین پارامترهایی به شمار می‌روند که هنر هنرمند را در جایگاهی اصیل تر قرار می‌دهند. ذهنیت گرایی و زانناختی در هنر دو مؤلفه ای مهم در پالندگی و بالندگی هر هنری محسوب می‌شوند.

هنر وقتی به توسعه می‌رسد که از ذهنیتی خلاق برخوردار باشد و زمانی به تثبیت می‌رسد که هنر آن از زبانی زبان شناسانه بهره مند باشد. از این رو، وارد کردن اصطلاحات فلسفی و عرفانی در ادبیات و هنر به زبان ادبیات و هنر کمکی بایسته می‌کند و ادبیات و هنر را از آن انحصاری بودن و فردیت خارج می‌سازد.

باید به اصطلاحات اجازه داد که در هر کجای متن که دوست دارند بنشینند و در آن جاست که متن با نوعی دمکراسی در معنا و مفهوم مواجه می‌شود و از آن حالت کلیشه وار زمانی و مکانی نجات می‌یابد.

برای نیل به اهدافی بلند در ادبیات و هنر مهم ترین رویکرد پرواز واژه ها در قفس ادبیات و هنر است و هم زیستی و هم خویشی این واژه ها با خویش و اصطلاحاتی دیگر است که این مهم باعث نوعی فرآوندگی و فرآیندگی را در بین مفاهیم توأم با پی آمدی سازنده را در بر خواهد داشت.

و زندگی خود را رشد و توسعه می‌دهد، هنرمند است. بدین سبب نمی‌توان ادبیات و هنر را از مقوله ای به نام آرچه جدا دانست؛ زیرا که اگر آرچه به معنی ماده زیرین نهایی و یا اصل غیر قابل بیان نهایی باشد، باز ادبیات و هنر از این تعاریف به دور نیستند. هیچ شعر، موسیقی و یا تابلویی قابل بیان نهایی نیست بلکه در ابعادی قابل فهم و درک است.

ادبیات و هنر، نوعی هرمنوتیک است که دارای زیرین تر از زیرین هاست و به همین سهولت نمی‌توان به یافت ها و دریافت هایی از آن دست یافت. شعر از نوعی فرمانروایی و نفوذی قابل توجه برخوردار شده که این فرمانروایی همیشه جلو دار است و در قلب ها نفوذی عمیق دارد. نفوذ یک قدرت غیر رسمی است که نقشی سازنده را در رسمیت جامعه بر عهده دارد و شعر نیز از چنین مفهومی برخوردار است.

هنر به معنی واقعی، هنری است که بتواند هر مفهومی را به دایره خود راه بدهد و قدرت تمیز و تشخیص این مفاهیم را هم دارا باشد که تصور بر این است، هنر این نوع اقتدار را دارد. هنر به عنوان آرخی انسان محسوب می‌شود، زیرا که منبع و سرمنشا یک انسان که می‌تواند به آن رجوع کرد هنر است.

از جانی دیگر هنر با عرفان و فلسفه نیز کلافی عمیق خورده است چه این که فلسفه ی هنر و عرفان هنر همیشه محل بحث و گفتگوی فلاسفه و عرفا بوده است و چه بسا هنرمندانی که فیلسوف بوده اند و یا عارف مسلک بوده اند. همنشین مفاهیم در جهت نیل به مفهومی واحد برای باشندگی و بالندگی فرهنگ جامعه امری ضروری است و هر مفهومی به جای خود نکوست.

هنری که فلسفی و یا عرفانی نباشد و قدرت فلسفیدن در آن مشهود نباشد، آن هنر از مایه هایی زیرین نهایی برخوردار نیست و این هنر نمی‌تواند قدرت تعمیم پذیری داشته باشد. عرفان (mysticism) میستیسزم



یا گنوسیسم (در تعریفی جهان شمول به مفهوم شناسی راز گونه نهایی).

خمیرمایه و افکار بلند و آداب تأثیر گذاری است برای یافتن و پیوستن به حقیقت از طریق شهود. عرفان نوعی روش برای حصول به حقیقت است که بر این فرض بنا شده است که عقل و حواس پنجگانه به دلیل خطاهای ادراکی قابل انکار نیستند و به تنهایی قادر به درک حقیقت نمی‌باشند و از این رو به نوعی تلاش برای ادراک بی واسطه حقایق نیاز است که به آن عرفان می‌گویند.

این تعریف از عرفا که از کلیتی معنایی بهره مند است، در جهانی از نوعی برگیوی و برساختگی لازم سود

آرچه، واژه ای یونانی است. واژه ای یونانی با «مفاهیم اولیه آغاز»، «سرمنشا» یا «علت نخستین است که بعدها «قدرت»، «فرمانروایی» و نفوذ به عنوان معانی گسترش یافته آن پذیرفته شده‌اند. در زوایایی دیگر ماده زیرین نهایی و اصل غیر قابل بیان نهایی نیز به این لیست معانی افزوده شده‌اند.

آنچه که متبادر به ذهن است و در لایه لای کتاب ها و مستندات دیده می‌شود، این است که آرچه را در زبان عهد باستان شانزدهم تا هیجدهم پیش از میلاد (آرچه یا آرخی) به معنی منبع، سرمنشا یا ریشه هر چیزی که وجود دارد، می‌باشد. در فلسفه یونان باستان، ارسطو آرچه را به معنی عنصر یا اصل یک چیز می‌داند که اگر چه غیر قابل بیان و حس ناشدنی است ولی شرایط ممکن بودن آن چیز را فراهم می‌کند.

آرچه چه نوع ارتباط و یا احیانان نقش و اهمیتی را در دایره ادبیات و هنر ایفا می‌کند و آیا ادبیات و هنر به معنی عام و شعر و موسیقی به معنای خاص پذیرای این مقوله به عنوان یک پروسه مفید و سازنده در جهت گسترش و بالندگی مفاهیم ادبی و هنری است یا که نه؟

در جواب به این پرسش، دریافت این است که نقش و اهمیت آرچه در ادبیات و هنر، اگر چه پررنگ نیست، اما کم رنگ هم نمی‌تواند باشد. ادبیات و هنر به معنی عام و شعر و موسیقی به معنی خاص از مفاهیم اولیه آغاز بشریت به شمار می‌روند. انسان وقتی خود را پیدا کرد، به دنبال نوآوری و خلاقیت بوده است و فکر می‌کنم ذات شعر و موسیقی با ذات مقوله ای به نام آرچه در جوانی به سمت همگرایی در حرکت است و این همگرایی ریشه در لایه های زیرین مفاهیم طبیعی و ذهنی دارد.

سرمنشا هنرمند، هنر است و هنر می‌تواند منشأ هنرمند به شمار آید. اگر آرچه را به قول ارسطو به معنی عنصر یا اصل یک چیز بدانیم که این عنصر غیر قابل بیان و حس ناشدنی است شعر و هنر نیز در جوانی از این تعریف

به دور نیستند. زیرا که عنصری به نام شعر و هنر از عناصر اصیل بشریت محسوب می‌شوند و بیان و حس آن ها نیز از هر کسی ساخته نیست و هر آنچه که جامعه از یک تولید هنری دریافت می‌کند، به معنای اصل آن هنر نیست بلکه فرعی های آن شعر و یا هنر را دریافت می‌دارد.

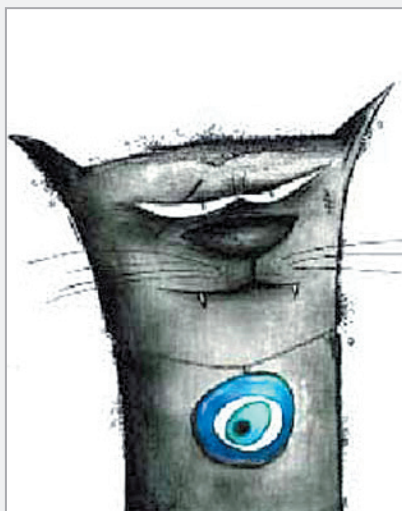
منبع اصلی و مفهوم بنیادی یک انسان را هنر تشکیل می‌دهد و یک انسان بی هنر در واقع خار و زار و سست است. بنابراین هر انسانی از یک هنر برخوردار است و بدون هنر نمی‌توان زندگی کرد. هنر تنها به معنی نگاشتن، سُرودن و یا آواز و ساز و نقاشی نیست بلکه هر کسی که هنری را در زندگی برای زیستن انتخاب می‌کند



از فرمایشات ما! طرح جایگرینی آگروز به جای گربه!

رضا رفیع

جل الخالق!... این قدیمی های سرد و گرم چشیده ما چقدر چیز فهم بودند و چه چیزها که نمی فرمودند. فی المثل فرمودند: «هر چیز که خار آید، یک روز به کار آید». و این در خیلی از موارد صادق است. مثلاً همین آگروز ماشین که معروف حضور همگان است. جدا از فایده ای که برای خودروها دارد و دود موتور آنها را به راه راست بیرون هدایت می کند؛ اگر چه در ادبیات غیر فاخر برخی افراد لمین لات و لوط، استفاده های ابزاری در جهت برخی فحاشی ها و بد دهنی های زیر گذری و «زیر هشت» ی هم داشته است؛ اما الان که نخبگان جامعه بیشتر به آن دقت کردند، به این کشف مهم نائل آمدند که لوله آگروز کاربردهای دیگری هم می تواند داشته باشد اگر قابلیت های آن خوب شناخته شود.



خبر مرتبط: سالها پیش، معاون محیط زیست شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهرداری تهران از اجرای طرح ژالیوت نابودی موش ها با استفاده از دود آگروز خودروها توسط برخی از دانشجویان و اعضای هیات علمی در یکی از نقاط مرکزی شهر تهران خبر داده بود که جالب بود. گفته بود که چنانچه دود آگروز خودروها در مبارزه با جوندگان مودی شهر مؤثر واقع شود، این طرح به صورت گسترده در تمام تهران اجرایی می شود.

در انداختن طرح:

اگر روی زمین گربه برای موش کم آید

«فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم»

هدفمند کردن دود آگروز: ما به سهم خودمان این طرح هدفمند کردن دود آگروزهای خودروها را تبریک عرض می کنیم و حالا که از حیث گربه کم آوردیم، می توانیم با طرح جایگزین کردن آگروز ماشین به جای گربه، کماکان و بدون لحظه ای خستگی و عقب نشینی در مقابل لشکر موشان، به مبارزه شدیدالحن با این جانوران مودی ادامه دهیم. هر چند بیش و پیش از اینها باید به فکر از بین بردن این موجود مودی می بودیم که بزرگان قوم فرمودند: «اقتل المودی قبل ان یؤذی»... منتهی باز هم غنیمت است. موش را هر وقت از آب جوی شهر بگیری، زنده است و می شود با دود ماشین خفه اش کرد. کثافت لجن!...

روش سیستماتیک کار: در این طرح که به روش تدخینی (گازدهی) معروف است؛ به کلونی موش ها (که راستش ما نمی دانیم دقیقاً کجای موش ها واقع می شود) گاز مونوکسید کربن از خروجی خودروها تزریق می شود. هر چند که دقیقاً توضیح داده نشده که بالاخره چطوری عملیات تزریق انجام می گیرد؛ اما به نظر ما باید به یکی از روش های زیر باشد که رو می کنیم:

۱- موش توی آگروز: در این روش، موش را می گیرند فرو می کنند توی آگروز تا خوب دود بخورد و خفه شود. سپس آن را بیرون کشیده، جلو گربه می اندازیم تا کلک گربه هم کنده شود. اخته کردن گربه ها که جواب نداد. حالا با کشتن موش، گربه هم روش!

۲- آگروز توی موش: در این روش ابتدا دهن موش را به زبان خوش باز کرده، پس آنگاه مقداری از آگروز را داخل دهن موش می گذاریم و از راننده تقاضا می کنیم تا می تواند گاز بدهد. صادرات گاز، از سیاست های اصلی دولت است.

نظریه علمی - کاربردی: یک کارشناس وابسته به پروژه موش کشی به هر شکل، در تشریح و تبیین طرح فوق اعلام کرد که ما وقتی از اثرات مخرب دود آگروزها بر روی سیستم تنفسی و سلامتی شهروندان مطلع و مطمئن شدیم؛ تصمیم گرفتیم که این طرح را بر روی موش ها نیز پیاده کنیم که فکر می کنم در سطح دنیا و اطراف ورامین بی نظیر باشد.



وحید حاج سعیدی

«جمشید اناالله» و قبرهای نجومی!

از وزیر رفاه و رئیس سازمان پزشکی قانونی پنهان نیست، از شما چه پنهان، سابق بر این، مردن خیلی راحت تر از چیزی بود که این روزها ذهن مردم را درگیر خودش کرده است. مردم به اندازه کافی عمر می کردند و بعد هم بدون دخالت پراید و داروهای تاریخ مصرف گذشته چینی و هندی، سوسیس و کالباس سرطان دار و ... ریق رحمت را با همه مخالفاتش سر می کشیدند.

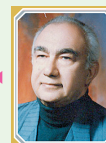
در واقع با یک تب و یک مرگ عاقبت به خیر می شدند و سینه قبرستان آرام می گرفتند. اما الان داستان تومنی هشت صنار با گذشته توفیر کرده و مردن هم چندان بدون دغدغه نیست. از گروگان گرفتن جسد در بیمارستان ها گرفته تا قیمت های نجومی قبور و ...



در جریان هستید که قیمت قبر، همگام با تورم و نوسانات ارز و طلا، سیر صعودی پیدا کرده و هر از گاهی اخباری مبنی بر خرید و فروش قبرهای میلیاردی و نجومی هم به گوش می رسد. می ترسیم چند روز دیگر «جمشید اناالله» نامی دستگیر شود و مشخص شود ایشان مافیای قبراست و ۲۰۰۰ هزار قبر خریداری کرده و مستقیم نرخ قبر را تعیین می کرده است (البته اگر دوستان قبرستان مرکزی نگویند با همکاری و اطلاع ما بوده است!) بگذریم...

هر چند دولت در مقابل مافیای قبر خیلی محکم ایستاد تا جایی که چندی قبل «سعید خال» مدیرعامل سازمان بهشت زهرا از اهدای یک طبقه قبر رایگان خبر داد و گفت: «به هر کدام از شهروندان یک طبقه قبر در سازمان بهشت زهرا به صورت رایگان اختصاص می یابد و هر شهروند که به سازمان مراجعه کند؛ از سه طبقه قبر، یک طبقه را به صورت رایگان دریافت می کند و دو طبقه باقی مانده خالی را به صورت یارانه ای با قیمت یک میلیون تومان دریافت خواهد کرد و حتی اگر کسی توان پرداخت همین مبلغ و یا مبلغ اندک خدمات شستشو، تکفین و تدفین را هم نداشته باشد، به موجب این لایحه، سازمان بهشت زهرا می تواند تا ۱۲ قسط آن را تقسیط کند. در ضمن بالاترین قیمت قبر در بهشت زهرا

سخنی با ترومپ!



دکتر پویاکاشانی - آمریکا |

مردک خیره سر! چه می خواهی؟
آیت جنگ و شر! چه می خواهی؟
داده ای جای علم و فضل و هنر
تکیه بر سیم و زر، چه می خواهی؟
این همه های و هوای بی معنا
شر برای بشر چه می خواهی؟
سد کنی بین مکزیک و آمریکا
زین عمل، جز ضرر چه می خواهی؟

جز به نفع خدای سرمایه
چه کنی بیشتر؟ چه می خواهی؟
شده ای یار غار شیخ عرب
از عرب، جز کمر چه می خواهی؟
ای که دادی شکست بر «برجام»
کاری از این برتر چه می خواهی؟
مردمان اسلحه نمی خواهند
نشیدی خبر، چه می خواهی؟
الغرض، ای رئیس مال اندوز
خوب خوردی، دگر چه می خواهی؟



تبسم و تفکر



بهروز فیروزی

*متولد ۱۳۶۸ - شهرستان پارساباد مغان

*شروع فعالیت هنری از سال ۱۳۸۸ *عضو انجمن هنرهای تجسمی پارساباد

*برپایی نمایشگاه انفرادی و گروهی کاریکاتور در پارساباد و بروجرد

*برنده چندین جایزه داخلی و خارجی

*پست الکترونیکی: Firoozicartoon@yahoo.com

